

صداهاى ملنگار غير ممکن است، اما لافاقل صداهاى پرورش يابند که بتوانند يکى از ستون‌هاى بزرگ و خوب دوبله ايران شوند و اين هنر يارفتن پيشکسوتان خود، تميرد.

او که هر وزه شاگردان زيادى را در زمينه دوبله آموزش داده است، يادآور شد: مهمترين هدف من در جذب شاگرد افزايش تعداد دوبله‌هاى آموزش ديده چه براى فيلم‌هاى رنال و چه براى فيلم‌هاى تيميشن است و به نوبه خود سعى مى‌کنم افرادى تربيت شوند که بتوانند در هنر دوبله مشر ثمر بيايند.

او درباره ارتباط خود با زنده ياد جلال مقامى اظهار کرد: من و همه دوستان همواره با ايشان در ارتباط بوديم گاهى به ديدنشان مى‌رفتيم و تا آخرين ساعت با ايشان تماس تلفنى داشتيم، آقاى مقلمى همواره علاقه‌مند به بازگشت و فعاليت در دوبله بودند، اما متأسفانه ناراحتى حنجره براى ادامه فعاليت به او مجال نمى‌داد و از طرفى توانايى سابق را تيز نداشتند، اونقش‌هاى مهم و ملنگارى را در سينماى ايران و جهان دوبله کرد و به قول خودش چيزى نملده بود که نگفته باشد. فيلم سينماى دکتر ژيوآگو، که هيچ وقت از خاطر نمى‌رود و سرريال ليه تاريكى، که واقعا گويندگى بسيار زيباى از ايشان شنيديم و از جمله ملنگارترين آثار اين هنرمند بزرگ است و يادآور تا ايد در دل ما جاودان مى‌سازد.

### شمسى فضل‌الهي:

#### زحمات مقامى بي‌جواب ماند

شمسى فضل‌الهي، از ديگر پيشکسوتان عرصه دوبله، بازيگرى و گويندگى با شنيدن آسمانى شدن استاد جلال مقلمى بسيار ابراز تأسف و ناراحتى کرده و گفت: آقاى مقامى در عرصه هنر دوبله

زحمت زيادى کشيد، اما آن‌طور که بايد ارج گذاشته نشد و گاه‌بى جواب ماند، او انسان شريفى بود و من به عنوان يک همکار براى ايشان بسيار ناراحت هستم.

او ضمن اشاره به سختى‌هاى کار دوبله‌ها اذعان داشت: با توجه به اين که ما در زمان فعاليت خود بيمه، رسيدگى پزشکى و ساير خدمات ديگر را براى پيشکسوتان مان نداشته‌ايم، در اين شرايط سخت بيمارى هنرمندان و تحت درمان بودن آن‌ها مسأله قابل تأملى است. قبل از اين هم فوت همسر ايشان خاتم رفعت هاشم پور من و بسيارى از همکاران را متأثر کرد و چه بسا فوت ايشان تأثير بيشترى در تنهائى و آسمانى شدن آقاى مقلمى داشت. به هر حال اين زوج هر دو با درسى و شرافت کار کردند و خود من نيز از علاقه‌مندان کارهاى ايشان بودم و هر گز فراموش نخواهم کرد و اميدوارم سايه مردم کل ايران بر سر ايران زمين مستدام بيايند.

### اردشير منظم:

#### بازنشستگى براى هنرمندان بي‌معناست

اردشير منظم، يکى ديگر از دوبله‌هاى باسابقه و مجريان راديو تاويز يون است، او درباره مقامى گفت: بچه‌هاى دوبله و هر کدام از پيشکسوتان دوبله نقش بزرگى در سينماى ايران داشته‌اند از جمله زنده ياد جلال مقلمى و اين بخش جز ويخش حرفه‌اى زندگى ايشان بود. به نحوى که مى‌توانست الگوهاى را براى سينماى ايران بسازد که اين الگوها بعد ها بتوانند خود را در اذهان مردم جا بيايند و در جامعه به عنوان شخصيت‌هاى دوست داشتنى مردم قلمداد شوند. خيلى از بازيگران قديم سينماى ايران و فيلم‌فارسي‌ها در گذشته دوبله مى‌شدند: فيلم‌هاى با موضوعات مختلف و حتى دفاع مقدس، که هنر دوبله در گيرايى آن فيلم تأثير گذار بود که هر بازيگرى که به جاي او صحبت مى‌شد سعى مى‌کرد، همان احساسات را بيان کند و به همان شکل اجرا کند در نتيجه، بعد ها بازي آن بازيگر تا حد زيادى تحت تأثير صداى گوينده‌اى بود که قبلا جاي او حرف زده است.

آقاى مقلمى فردى بود که بيشتر از اين مى‌توانست مورد توجه باشد، ايشان موضع‌گيرى سختى در خصوص فردى که به تازگى وارد عرصه دوبله مى‌شدند، نداشتند و افراد را بسيار مورد تشويق قرار مى‌داد و به عقیده من اين نکته برجسته‌اى در خصوصيت فردى ايشان بود که در آن زمان خيلى ها اين موضوع را بر نمى‌تابيدند، او در کارهاى خود همواره سعى مى‌کرد از نيروهاى جوان استفاده کند و با همه دلخورى‌هاى که از جاىگاه خود داشتند، عشق کارشان بودند.

وى به آخرين ديدار خود با استاد مقلمى اشاره کرد و گفت: آخرين گفتگوى ما پيش‌تر در آموزشگاه بود و ايشان چقدر دلخور بودند از اين که نتوانستيم اين حرفه را به شکلى که مى‌خواهيم و شايسته است، حفظ کنيم. ايشان حتى در بحث گزينه‌هاى ملي اين حرفه هم تاکيد داشتند که اين حرفه نتوانسته نيازهاى ملي فعالان عرصه دوبله را برآورده کند و در نتيجه استعدادهای جديد کمتر جذب اين حرفه شده و از پيشکسوتان نياموخته‌اند.

او افزود: يکى از آثار ماندگار ايشان در فيلم سينماى محمد رسول الله بود که در کنار ساير هنرمندان ماندگار دوبله هنر نمائى کردند. واين سؤال هميشه مطرح است که اگر همان فيلم امروز دوبله شود، مى‌تواند تأثير گذارى گذشته را داشته باشد؟ اگر شرايط روحى، جسمى و مالي هنرمندان دوبله به گونه‌اى بود که مى‌توانستند به آموزش تجربى وسيله به وسيله بير دازند، نسل امروز دوبله مى‌توانست به همان اندازه تأثير گذار باشد.

منظم ادامه داد: متأسفانه دوبله، امروزه بيشتر به شکل ترجمه و تبديل گويش از يک زبان به زبان ديگر شده است. دوبله‌ها اغلب به شکل فان و سرگرمى درآمده و از آن حالت حرفه‌اى و اثر گذار در گذشته خارج شده است. اين يکى از دغدغه‌هاى بزرگ آقاى مقلمى بود که اگر سرريال ملنگارى مثل سلمان فارسى دوبله شود، احساس مى‌کنم آن قدر خلاء وجود دارد که نمى‌توانيم بازيگرى درسى در اين مقوله داشته باشيم و البته تاويز يون تنها جايى است

که مى‌تواند در تقويت اين بخش موثر باشد تا اين خلاءها براى نسل جديد مر تعج شوند.

وى با اشاره به پر سوسه زمانى براى يک هنرمند عنوان مى‌کند: با توجه به شرايط جسمانى، آقاى مقلمى سال‌ها بود که از دوبله فاصله گرفته بودند، عليرغم اين که بسيار علاقه‌مند حضور در پروژه‌هاى دوبله بودند، ولى توانايى شان کم شده بود. واحد دوبلاژ هم پى‌گير اين موضوع بودند که به نحوى بتوانند از حضور ايشان استفاده کنند، اما آن‌چه که مسلم است، هر حرفه زمان خاص خود را دارد و قليل توجه دوستانى که فکر مى‌کنند يک دوبله را تا آخرين لحظه حيات خود شرايط صداپيشگى را دارد بايد گفت: بسيارى از لسائيد اين حرفه از کسوت خود به بي‌کسوتى افتاده‌اند؛ به دليل اين که نتوانسته‌اند زبان جارى فيلم باشند و نگران هستند از روزى که نتوانند حرف بزنند. مگر اين که تعريف خود را از حرفه خود و زمان فعاليت خود بدانند، مثل آقاى افشاريه که تشخيص دادند تا اين سن کار کنند و بعد از اين رايه جوان ترها بسيار نند.

اين که يک هنرمند نقش مهمى در عرصه فرهنگى و اجتماعى جامعه خود داشته و حالا بازنشسته شده است، خيلى خوب است، اما بازنشستگى براى هنرمندى که تمام عمر خود را در تاويز يون مى‌گذرانند، بي‌معناست.

اردشير منظم در ادامه به يکى از خاطرات خود با استاد مقلمى پرداخته و توضيح مى‌دهد: خاطر من مربوط به برنامه‌اى است که من مجرى آن برنامه در شبکه آموزش بودم و از آقاى مقلمى به عنوان ميهمان دعوت کرديم. در آن برنامه به سرريال مارکوپولو اشاره کردم که با هنرمندى لسائيدانه آقاى مقلمى به شکل زيباى دوبله شده بود، سرريالى که از شاهکارهاى دوبله تاويز يون است و همه گوينده‌هاى قديمى دوبله نيز در آن حضور دارند و به عقیده من مى‌توان از آن سرريال به عنوان کلاس گويندگى استفاده کرد. آقاى مقلمى با تعجب از من پرسيدند که اين سرريال را چه‌طور به خاطر دارم و من بخشى از ديالوگ‌هاى آن سرريال را بازيگو کردم وايشان با تعجب پرسيدند: همه ديالوگ‌هاى سرريال رو حفظ کردى؟ اين سرريال آن قدر دوبله جذاب و ماندگارى داشت که ناخودآگاه اغلب ديالوگ‌هاى آن را هنوز بعد از سي سال به ياد دارم. وى در پايان ضمن تسليت به جامعه هنرى خاطر نشان کرد: هنرمندانى مانند آقاى مقلمى، فرداى هستند که جدائى از خلق و خو و رفتار مردم پسند، در اين کار بسيار توانا و استادان خوبى بودند. ولى عده زيادى اين حرفه را خودآموز ياد گرفته‌اند و تجربه‌اى که آن‌ها بايد در چندين دهه کسب کنند، در يک دوره فشرده در کنار اين اساتيد مى‌شد آموخت و اين خلاء را پر کرد که متأسفانه اين اتفاق در دوبله ايران نيافته است.

### راضيه موميوند:

#### قدر اساتيد و پيشکسوتان هنر دوبله را بدانيد

راضيه موميوند، از جمله گويندگان، دوبله‌ها و بازيگران راديوى است که خاطر حضور جلال مقلمى در نمايش‌هاى راديوى را يادآور مى‌شود: من سلقه همکارى با آقاى مقلمى را در راديو نمايش و برخى کارهاى ديگر در عرصه دوبله داشتيم و از اين که ديگر صداى ايشان را در عرصه دوبله نخواهيم داشت، متأسفم. من همواره حس شاگردى نسبت به اين بزرگان دارم و هميشه از خدا مى‌خواهم عمر طولانى به ساير اساتيد و پيشکسوتلى بدهد که هنوز در بين ما هستند و شکر خدا هنوز از نعمت حضورشان بهره‌مند هستيم و اميدوارم بتوانيم از هنر اين اساتيد بيشتر استفاده کنيم.

من اغلب کارها و آثار اساتيد را مى‌بينددم و هر وقت صداى ايشان را در سرريال يا سينما مى‌شنوم غرق در خاطرات گذشته مى‌شوم حتى ايشان در چند کار سينماى هم ايفائى نقش داشتند که همواره براى من خاطر انگيز است. اجراى مجموعه ديننى‌ها با آن صداى مخملمين راهم نيابد نايد بگيريم که محنت‌ها مخاطب را به ديدن برنامه ديننى‌ها جذب مى‌کردند. استاد مقامى فردى بسيار مهربان و تکرار نشدنى هستند وظيفه من و همکارانم اين است که همواره کارهاى ايشان را به خاطر بسيارى و آزان‌ها در هنر خود الهام بگيريم و همواره به عنوان يک مرجع آموزشى براى نسل‌هاى بعد دوبله استفاده کنيم.

او در خاتمه به علاقه‌مندان به هنر دوبله تأکيد مى‌کند: قدر اساتيد و پيشکسوتان هنر دوبله را بدانيد و از گوهر وجودى اين پيشکسوتان بهره‌بريد، احترام به پيشکسوتان جز وى از آداب آموزش دوبله است که البته در کنار آن به قول مرحوم منوچهر نودرى خودتان باشيد، نوآورى کنيد و از تقليد بهره‌بريد.